

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۴۳
سه شنبه ۲۵ دیماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال

«وتو»ی اتحاد شوروی تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای محاصره اقتصادی ایران باشکست مواجه ساخت

در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطعنامه پیشنهادی دولت آمریکادر مورد محاصره اقتصادی ایران، که در هفته گذشته مطرح شده بود، به رای گذارده شد. از اعضای دائمی و موقت این شورا، نمایندگان ۱۰ کشور به این قطعنامه رای موافق و بنگلادش و مکزیک رای ممتنع دادند. نماینده چین در اخذ آراء شرکت نکرد. نماینده جمهوری دمکراتیک آلمان به قطعنامه پیشنهادی آمریکا رای مخالف داد. نماینده اتحاد شوروی این قطعنامه را وتو کرد.

وتوی اتحاد شوروی، بمثابة عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، مانع تصویب این قطعنامه گردید و آنرا رد کرد و بدین ترتیب همه تلاشهای بقیه در صفحه ۲

خواستههای کارگران وبی توجهی مسئولین امر

در آستانه یکمین سال انقلاب، شرایط کار و زندگی طبقه کارگر نابسامان است. گرانی گسترده، قلت دستمزد، فقدان مسکن، بی توجهی به پاکسازی، وجود جماعتی از مدیران طغوتی در راس کارخانهها، کارشناسی این عده در تامین مواد اولیه و خام و در نتیجه افزودن بر شمار یکبارگان، معانیت از تشکلهای صنفی کارگران و ایجاد انجمنهای صنفی (سندیکاهای اتحادیهها)، همه و همه دست بستم هم داده اند و کارگران را ناراضی میسازند. این ناراضی زمینه ای است که در شرایط مشخص کنونی، هم ضد انقلاب از آن سوءاستفاده میکند و برخی ناراضیها را بدلیل میگذرد و هم عناصر چپ و چپانه، که بنا بر ادعای غلط خود از مرحله انقلاب، نمیخواهند انقلاب مردمی تثبیت گردد و لذا با تمام نیرو به ایجاد هرج و مرج مشغولند تا بشیال خود مانع از تثبیت وضع شوند.

حزب توده ایران بارها و بارها توجه مسئولین امر را به خواستههای منطقی طبقه کارگر جلب کرده است، تا با قبول مطالبات مشروع کارگران، زمینه فعالیت ضد انقلاب و عناصر چپ و چپنما در میان کارگران ناراضی از میا نبرداشته شود و امر افزایش تولید صنعتی، که خواست امام خمینی و همه انقلابیون راستین است، تحقق پذیر گردد.

متأسفانه این هشدار حزب ما تاکنون بازتاب مثبتی نداشته است. راستی مگر کارگران چه میخواهند؟ کارگران میخواهند دولت جلوی این گرانی وحشتناک را، که بپای اقلام مورد نیاز مردم، روز بروز و هفته به هفته و ماه به ماه افزایش می یابد، با تنظیم اجرای یک برنامه صحیح سد کند، تا کارگران قادر به تامین حداقل معاش خانواده خود باشند. کارگران میخواهند که دولت از اجحاف کارفرمایان در مورد پرداخت حداقل دستمزد، حق خواربار، حق مسکن و حق اولاد جلوگیری کند و ترفیسی دهد تا این اقدامها، که در واقع بخشهای دستمزد واقعی کارگران است، یک گام به آنها پرداخت شود تا کارفرمایان به میل خود آنرا کپور زیاد که از طغوتیان بیجا مانده اعمال فشار اقتصادی بر کارگر قرار ندهند.

کارگران میخواهند که به مسئله تامین مسکن این طبقه محروم توجه جدی مبذول گردد، زیرا تصمیماتی که نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی تاکنون در مورد حل مسئله مسکن اتخاذ کرده اند، هیچکدام مفید بحال طبقه کارگر نیست، زیرا کارگران نه قادر به اخذ وام بانکی و ساختمان خانه برای خود هستند و نه میتوانند اجاره بیهای خانههایی را بپردازند که از طغوتیان بیجا مانده است. برای تامین مسکن طبقه کارگر، از یکسو دولت باید خانه سازی کند و از سوی دیگر کارفرمایان خصوصی را به ساختن خانه های سازمانی برای کارگران موسسه تولیدی خود مجبور سازد. در غیر این صورت مشکل مسکن کارگران لاینحل باقی خواهد ماند، همچنان که تاکنون باقی مانده است.

کارگران خواستار پاکسازی مدیریت کارخانهها و برکناری عوامل طغوتی و ضد انقلاب ساواکی هستند، تا این عناصر مخرب نتوانند امپریالیسم آمریکا را در اعمال فشار اقتصادی به کشور ما یاری دهند و با احتکار مواد اولیه، سرکشی از تهیه قطعات و ابزار یدکی، دریافت حقوقهای ۴۰-۳۰ هزار تومانی و اشکال تراشی در مورد تشکلهای صنفی کارگران، بر مشکلات بیفزایند. کارگران میخواهند که بر مناسبات میان کارگر و کارفرما ضوابط عادلانه ای حاکم گردد و با تدوین قانون کار جدیدی با شرکت نمایندگان منتخب کارگران، به مسلطه قوانین ضد کارگری رژیم شاه مخلوع پایان داده شود.

اما بی توجهی یکسری مقامات مسئول به این خواستههای منطقی موجب شده است که ضد انقلاب عرصه تبلیغ یابد و اینجا و آنجا کارگران را به تحسین و اعتصاب و کم کاری تشویق کند. نمی توان منکر شد که در مواردی که کارگران چنان به استخوان میرسد که برخی از کارگران، تنها راه برای جلب توجه دولت به خواستههای خود راه اعتصاب و تحسین تشخیص میدهند، که البته در شرایط حساس کنونی نمیتوان همجا با آن موافقت داشت.

دعوت حزب توده ایران از کارگران به بالا بردن میزان تولید، با توجه به وضع حساس کشور و ضرورت شرکت فعال کارگران در سازندگی، در میان پیشاهنگ آگاه، با زتاب مثبتی یافت و موجب شد که طبقه کارگر با هویتاری انقلابی خود، به خطری بودن وضع و اهمیت وظایف خود توجه کند. کارگران بسیاری از کارخانهها یا هم شرکت در اعتصابها و یا جلوگیری از اعتصاب و تحسین در محل کار خود، نشان دادند که خواستار اعتصاب و تحسین نیستند، بلکه این بی توجهی دولت به مطالبات کارگری و تحریک و کارشناسی کارفرمایان است که اینجا و آنجا کارگران را، علیرغم تمایل خود، به اعتصاب و تحسین کشیده است.

در سمینار اقتصادی که اخیراً در تهران برگزار شد، تعداد بیکاران در سراسر کشور میان ۲۰۵ تا ۴ میلیون نفر گفته شده است. اکثریت ارتش بیکاران را کارگران تشکیل میدهند که به علت تعطیل تمامی و یا بخشی از این یا آن کارخانه، از کار اخراج شده و به خیابانها ریخته شده اند. این توده انبوه، که بجز بازوی کار خود سرمایه ای ندارند، در این وادی بیکاری و گرانی و بیهوشی راستی چگونه باید امراماش کنند و از چه راه شک فرزندان گرسنه خود را سیر سازند؟ چگونه است که هنوز جز برنامه های کوتاه مدت، محلی، جنبی و گروهی، هیچ برنامه جامع و مدونی برای مبارزه با بیکاری ارائه نشده است و این عرصه بذرافشانی ضد انقلاب دست نخورده باقی مانده است؟ ما توجه دولت و شورای انقلاب را بار دیگر به شرایط وخیم کار و زندگی طبقه کارگر جلب میکنیم. دولت با احساس مسئولیت نسبت به وضع خطیر کشور باید به مطالبات کارگران، این مدافعان راستین انقلاب، توجه کند و آنرا تحقق بخشد.

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان (سازمان حزب توده ایران) در آذربایجان

ضد انقلاب ضربه خورده را باید ریشه کن کرد

مردم غیور آذربایجان!

انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خلقهای قهرمان ایران در اولین مرحله، پس از درهم شکستن مواضع ضد انقلاب آشکار و پنهان نظام منحوس سلطنتی، گام در مرحله دوم خود نهاد که امام خمینی آنرا «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» ارزیابی کرد و از کلیه نیروهای مبارز و مترقی خواست که تمام نیروی خود را علیه امریکای جنایتکار متمرکز نمایند. این حرکت و اوج نوین دمیبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران، مواضع امپریالیسم امریکا را به شدت متزلزل و طرفداران آشکار و پنهان آنرا از باقیمانده های سازمان جنینی ساواک گرفته تا سرمایه داران بزرگ وابسته و مداخلان توکر صفت امپریالیسم بهراس مرگبار دچار ساخته است. لذا ضد انقلاب با تمام قوا پس از شکست این حرکت خلقی را منحرف و آنرا از رهبری قاطعانه امام خمینی جدا سازد.

این حرکت ضد انقلاب در آذربایجان با توطئهها و اغتشاشات خیانتکارانه با مسالاح حزب خلق مسلمان به منتهای ظهور رسید. حمله چاقو داران و اوپاشان این «حزب» به رادیکالترین و وحشیانه ترین در شهرهای قویترین عملی بود و مذبحخانه، که در آن دست سرمایه داران بزرگ وابسته و باقی مانده های ساواک و گروههای مائوئیستی آشکار گردید.

برای مقابله با این ضد انقلابیون، در اعلامیه ۱۳۵۸ دی ۱۳۵۸ کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - آمده است، «برای خنثی ساختن توطئه های ضد انقلاب بایستی تمام نیروهای انقلابی راستین مدافع خط امام دست در دست و دوش بدوش هم حرکت نمایند. بگذار یکی بودن حرف و عمل تمام نیروهای راستین انقلابی، به ضد انقلابی که در صدد این توطئه جدیدی است، جواب دادند تا شکستی بدهد.»

این توطئه جدید، حوادث روزهای اخیرین و بعد از آن در شهر تبریز بود که طی آن بیش از ۵۰ بانک به آتش کشیده شد و به زخمی شدن دهها تن منجر گردید.

ولی سرانجام عمل قاطعانه و جان بازانه پاسداران انقلاب اسلامی و اشغال لانه فساد حزب خلق مسلمان، و برخی از کمیته های وابسته به این «حزب» شر به مهلک به ضد انقلاب در تبریز وارد آورد و اعدام یازده تن از اوپاشان این «حزب» توسط دادگاه انقلاب تبریز، ضل توفیتی در بیکار علیه ضد انقلاب در شهرمان گشود.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان ۱۳۵۸/۱۰/۲۳

لزوم پاکسازی ادارات تبریز

ادارات و سازمان های دولتی تبریز باید هر چه زودتر از وجود عوامل وابسته به رژیم گذشته پاکسازی شود.

بر اساس اطلاع رسیده، عوامل ساواک وابسته به رژیم منحوس پهلوی برای ناراضی تراشی و بدبین کردن مردم تبریز نسبت به انقلاب، در ادارات و بخش های مختلف، مردم را سر می واداند و به کارهایشان رسیدگی نمی کنند. گفته می شود که در اداره کار تبریز، که این عوامل در آن نفوذ وسیعی دارند، نحوه برخورد با مراجعین، که بیشتر از میان زحمتکشان این منطقه هستند، بگونه ای است که زمینه مساعدی برای بهره گیری ضد انقلاب فراهم می آورد. در این اداره که وظیفه آن کاربایی برای زحمتکشان و رسیدگی به موضوع کارگران است، مراجعین باید برای انجام هر کار کوچک چندین بار به مسئولین مراجعه کنند و عاقبت نیز کار آنها انجام نمی شود.

پس خاتم ۵۰ ساله در گفتگو بقیه در صفحه ۲

تسلیت

«مردم» با کمال تأسف از درگذشت رفیق محمد کوریم کریمی اطلاع یافت.

رفیق محمد کوریم فرزند دهقان مبارز و عضو با سابقه حزب توده ایران، شهیدی مبارز و مجاهد کریمی بود، که سالهای طولانی زجر زندان محضرت شاهنشاهی را تحمل کرد و پس از آزادی بر اثر شکنجه های زندان درگذشت.

ما فوت عزیز از دست رفته، آزاد مردم گلستانه، رفیق محمد کوریم کریمی را به خانواده کریمی و همه دهقانان مبارز گلستانه سیمانه تسلیت میگوئیم.

سازمان حزبی مادر شهری با تقدیم تاج گل، به خانواده مرحوم، از خاطره او تجلیل کرد.

شبهت محمد کوریم کریمی روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۲۷ ساعت ۵:۵۵ بعد از ظهر در مسجد قریه گلستانه، واقع در جاده ساوه، ۱۴ کیلومتر از تبریز، درگذشت.

احسان طبری

سرایش میهن

سایه چینه های سکوت و دود شنها دونه بر لوت زمان دیرنده، با شکوای میبوت! ای زادگاه خلق های همسرود پیشه های مه پوش نخلستانهای غبارلود: درود بر خرد نهان در «شفا» و «اسفارت» و مین القضاة رقصنده بر دارت!

در پیش طلعت داد و خرد سراپا عشق، سراپا دل بودی و به هنگام زمانه بد یاغی بند گسل بودی و اینک از دنا تا سپند ای ارس تا هیرمند ای فراخوانی میهن پیر من ای کوخ بلوچ، ایبه ترکمن کلیه کرد، یورت آذری ای سرای گرم پراندی هزاران سال چاکریت پس!

نمی خواهم تیغ برده دار باشی تاج زر نگار باشی سزای طنپورت، این بار نوائی سپور است و کار.

می خواهم تا کشتزارت شبلیه بلند ریختانت در بستان بنفخند مستمندت به کام گسترهات پلرام بازگشت نوینی به فروغ و فر رازیها و سیناهای دیگر.

همه عمر با دست تهی و پلک سوزان دلی چون هیمة فروزان سر فرازیت را خواسته ام از سینه دهمان جوانی تا ایندم که فروگاسته ام

و هنوز کمترین دشنام از ناگهان پست: «بی وطن!» «بیگانه پرست!»

بی وطن نیستم ای شریان وطنی هست مرا نامش: ایران! تهران - دیماه ۱۳۵۸

آیا راست است:

- که در دانشگاه متحدهین (دانشگاه فرح سابق) استادانی هستند که علناً علیه جمهوری اسلامی و انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران سخنرانی می کنند؟
- در آیا راست است که شخصی به نام حمید رضا عراقی، که در دوران طاغوت از طرف وابستگان فرح برای تدریس در دانشگاه متحدهین از آمریکا به ایران دعوت شد، از دانشجویان خواسته است که به قانون اساسی
- جمهوری اسلامی ایران رأی ندهند؟
- و آیا راست است که این شخص، کسانی مانند سروس نهادندی مأمور ساواک از رهبران گروهک مائوئیستی سازمان انقلابی وید حسن نصر رئیس دفتر فرح را استادانی زبردست می خواند و درغم دوری آنها مویه می کند؟
- و آیا راست است که یکی دیگر از استادان این دانشگاه به نام دوشنگ شامپانسی در کلاسها به توطئه جینی، علیه انقلاب ایران مشغول است؟

خط امام، خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران است مردم ایران برای ریاست جمهوری به فردی رأی میدهند که عمیقاً وفادار به خط امام باشد

الغای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه ای است به امپریالیسم توطئه گر، خدمتی است به رونق اقتصاد کشاورزی و خواست مبرم دهقانان زحمتکش است

اخبار دهقانی

دهقانان نور آباد ممسنی به تحریکات خانها و مالکان بزرگ اعتراض دارند

چندی قبل عده ای از دهقانان و روستائیان زحمتکش «فلبیان» (از توابع نورآباد ممسنی) به منظور اعتراض به استثمارها و تعدیات خانها و بزرگ مالکان منطقه به نورآباد رفتند و به راهپیمایی پرداختند. ولی در حین راهپیمایی دهقانان، عده ای که معلوم شد وابسته به ساواکها و خوانین بودند، از خارج به مسافرت ظاهر کنندگان وارد شدند و ناگهان شمارهای ضد کمونیستی سردادند. این عده میخواستند از حق طلبی دهقانان سوء استفاده کنند و محیط تشنج، که مطلوب ضد انقلاب است، بوجود آورند. وقتی صفوف دهقانان به نزدیکی کیسومک روزنامه فروشی «مجاهد» رسید، این عده به کیسومک حمله کردند، که به دلیل مقاومت مردم کاری از پیش نبردند. همین عده سپس در کتابفروشی معلم را شکستند و کتابها و اموال کتابفروشی را به غارت بردند.

دهقانان که برای احقاق حق خود و رفع ستم خانها به راهپیمایی اقدام کرده بودند، از این که سرسیرندگان خانها و بازمندان ساواک به نام آنها به چنین اعمال ضد انقلابی دست زدند، سخت ناراحت بودند و می گفتند مالکان بزرگ و خانها با این اعمال خود خواهند نورآباد و ممسنی را به بلوا و هرج و مرج و یکه تازگی و سرکشی از سوادکوه تا خفک تبدیل کنند. دهقانان نورآباد و ممسنی خود بر سینه، جلوی این تحریکات را، که تنها ضد انقلاب از آن سود میبرد، بگیرند.

دهقانان هفت روستای بندرگز از وضع طاغوتی شرکتهای تعاونی روستایی بحران آمده اند و تقاضای رسیدگی فوری دارند

دهقانان عضو شرکت تعاونی روستایی «دهقان» واقع در بخش بندرگز، که از اقدامات شرکتهای تعاونی بندرگز، گز شرقی، گز غربی، کوه صحرا، وطن، دشتکلا، غربی و دشتکلا شرقی تشکیل شده است، در رژیم طاغوت از خودسری و سودجویی سرپرستان و اولیای امور اداره تعاونی شهرستان گران بخشی رنج میبردند و زبانههای بسیار ممتد می شدند. پس از پیروزی انقلاب، دهقانان انتظار داشتند در اداره شرکت های مذکور تغییرات بنیادی صورت گیرد. متأسفانه این انتظار به جای نرسید.

حدود دو ماه قبل با نامت که مدت اعتبار اعضای هیئت مدیره طاغوتی به پایان رسیده بود، سرپرست تعاون امور روستایه اتفاق مدیر عامل شرکت، برخلاف قانون و بدون اعلام قبلی، مخفیانه شروع به «انتخابات» اعضای هیئت مدیره کردند. جریان «انتخابات» در پنج روستا سرهم بندی شد و نوبت انتخابات «گز شرقی» رسیده بود که موضوع با مخالفت جدی دهقانان مواجه گردید. اجتماع دهقانان در مسجد صاحب الزمان گز قلمنامه ای در محکوم ساختن این روش طاغوتی صادر کرد. اداره تعاون میخواست همان وضع دوران خفقان بی سرور و اسامه ادامه یابد و همان قماش افراد به عنوان مدیر عامل و سرپرست به دهقانان و سرپرست شرکتهای تعاونی آنان تحویل شود. دهقانان عضو این شرکتهای ابتدا به مراجع مسئول مراجعه کردند و چون نتیجه نگرفتند، اجتماع کردند و اعلامیه ای صادر کردند با عنوان: «تاکو عوامل رژیم گذشته» که آنرا در روستاهای اطراف توزیع کردند. در این اعلامیه پس از توضیح نیکی و تنگنا و ادوار این شرکتهای نوشته بودند:

«با توجه به اینکه شرکتهای در حدود ۶ میلیون تومان سرمایه در اختیار دارند، ما کشاورزان اعضای تعاون روستائی از مزایای و مواظبتات شرکتهای متروکه هستیم و بطور کلی نمیدانیم این سرمایه در اختیار کیست و چه کسی از آن استفاده می کند؟»

نامه های متعددی با امضا و اثر انگشت دهقانان به ادارات مسئول در این شرکتهای به سازمان تعاون و امور روستاهای کشور و مقامات محلی و روزنامه ها نوشته شد، که بجای نرسید. در تاریخ ۱۴ دیماه دهقانان ناچار به دربر عالیقدر ملت ایران، امام خمینی به نامه ای میفرستند و در آن ضمن بیان وضع این شرکتهای تقاضای رسیدگی می کنند:

۱- يك گروه بازرسی به این بخش اعزام شود، تا با همکاری نماینده اعضای تعاونیه به حسابهای شرکتهای رسیدگی کنند.

۲- انتخابات کاملاً آزاد با حضور اکثریت اعضاء انجام شود، تا این شرکتهای از وجود افراد ناصالح پاکسازی شوند.

۳- سهم خرید محصولات کشاورزی تکثیر و در دسترس دهقانان قرار گیرد.

سرنجام يك گروه بازرسی معرفی شد که رسیدگی کند. وقتی نماینده دهقانان به دفتر حسابرسی رفتند، دیدند که وی کار را تقریباً تمام کرده و در گزارشی را تنظیم کرده است. دهقانان که احتمال سوء استفاده های کلان را در کار اداره شرکتهای از نظر دور نداشتند، از او خواستند تا اسناد «دهقانان» به شرکتهای صورت دهد، مدیر عامل شرکت حاضر به این کار نشد. نمایندگان دهقانان ناچار به اداره تعاون روستائی گران مراجعه کردند و خواستند کار رسیدگی با همکاری نماینده دادستان صورت گیرد.

انقلاب میلیونی زحمتکشان ایران نبردی بی اسمان و پیگیری علیه امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکایی و قفله ادامه میدهند. در این نبرد اطلاعات و اخبار و چگونگی استفاده از آن میتواند نقش تعیین کننده در روستا و یا بالعکس گمراهی افکار عمومی داشته باشد. به همین سبب رسالتی که به عهده رسانه های گروهی گذارده شده پس مهم و پر مسئولیت است.

متأسفانه

باید گفت که عده منبوع تفذیه اطلاعاتی رسانه های گروهی ما، به دروال گذشته، عبارتست از منابع امپریالیستی. آیا ادامه این روند زائیده عدم شناخت ماهیت این منابع است؟ آیا هنوز جهل است که ما به نقش مخرب منابع خبری و اطلاعاتی امپریالیسم بی نبوده اند؟ آیا میتوان در شرایطی که مبارزه ضد امپریالیستی توده ها هر روز نیروی بیشتری کسب میکند، اهمیت استفاده از اطلاعات و اخبار را نادیده گرفت؟

انحصارهای امپریالیستی به قدرت اطلاعات و اخبار و اقتصاد و بدان ارزش فوق العاده ای میدهند. بی سبب نیست که جامعه شناسان سرمایه داری میگویند، «حاکمیت اطلاعات، تنها حاکمیتی است که قدرتش رو به زوئی است». همین دلیل انحصارهای جهان سرمایه داری با تمام قوا میگویند که رسانه های گروهی در قیافه گرفتارند.

محقق

امریکایی، جکس درباره تبلیغات سرمایه داری میگوید که، هدف آن «تربیت انسان فاقد هر نوع قابلیت تفکر انتقادی و عقلانی است». در غرب میگویند، «عناوین روزنامه ها هستند که سیاست میسازند». این نظر، هر چه تا اندازه ای ساده کردن مسائل است، ولی در عین حال بیانگر واقعیتی است، زیرا امکانات فزاینده افکار عمومی را تا حدی روشن میکند.

رسانه های گروهی هر چه ایست در دست انحصارها برای دامن زدن به «جنگ روانی» علیه نهضت های رهایی بخش ملسی و کشورهای سوسیالیستی از طریق فریب افکار عمومی، تا زمانه این چنین تبلیغات آشکارا خنده سرمدی و کفرآمیز است. «آزادی تبادل اطلاعات» میگرداند و از کشورهای «جهان سوم» میخواهند، که در نشر هر چه گسترده تر آن کوشا باشد.

هر ای اینکه بتوان به ما «سپیل آزاد اطلاعات» از کشورهای امپریالیستی بی برد، کاپیت وضع موجود در زمینه اخبار و اطلاعات را در حساب سرمایه داری مورد بررسی قرار دهیم.

در حال حاضر چهار پنج تیر از روزنامه ها و مجلات، نه هم قدرت را از رادیو بی ما موجهای بین المللی و ۹۵ درصد قدرت فرستنده های تلویزیونی توسط تمسادهای قلیلی از کشورهای دولتی انحصاری و انحصارهای خصوصی امریکائی شمالی، آروپای غربی و ژاپن کنترل میشوند. در حدود ۴۰ تا ۵۰ انحصار چند ملیتی، از

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که:

برنامه کار خود را بطور روشن و مشخص اعلام دارند تا مردم و همچنین احزاب، سازمانها و گروههایی که کاندیدای مستقل ندارند - از جمله ما - با آشنایی با این برنامه، بتوانند با آگاهی کامل انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری بعمل آورند.

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که:

نظر خود را درباره برنامه انتخاباتی حزب توده ایران اعلام دارند تا مردم و هم حزب ما بتوانند با مواضع، افکار و نظریات کاندیداهای ریاست جمهوری درباره «سوازی اجتماعی - اقتصادی جامعه ما در مقایسه با برنامه انتخاباتی حزب توده ایران» آشنا شوند و بازم بتوانند با آگاهی کامل، انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری بعمل آورند.

نام نویسی در حزب توده ایران

کلانگرو زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که میباید در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار ندارند، میتوانند روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۲ تا ۵ بعد از ظهر به

توجه!

نخستین سالگرد انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران نزدیک است. از تمامی دوستان، هواداران و اعضای حزب خواهش میکنیم که هر گونه اطلاع و خاطره جالب و زیبایی از دوران یکساله انقلاب دارند، هر گونه عکس از رویداد های ماههای انقلاب و همچنین کلیه اسناد و اعلامیه های احزاب، سازمانها و گروههای مختلف، که در یکسال قبل از پیروزی انقلاب منتشر شده - در دسترس دارند - اصل یا فتوکپی آنها را برای «مردم» بفرستند. بدین وسیله صفحات «مردم» را در پر کرداری شایسته جشن سالگرد این انقلاب تاریخ ساز، غنی کنند. در روی پاکت بنویسید: «مربوط به انقلاب ایران».

«مردم»

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

دو نوع اخبار و اطلاعات در غرب وجود دارد، «سفید» یعنی رسمی و آزاد و «سیاه» که در خدمت «جنگ روانی» است. جاسوس حرفه ای سابق «سیاه» در رشته «جنگ روانی»، ج. اسیت، می نویسد:

«عملیات تبلیغات «سیاه»، یعنی استفاده از منابعی که به دلایلی میباید پنهان گردد و یا به افرادی که هیچگونه با این منابع ارتباط ندارند، نسبت داده شود.

«تبلیغات سیاه» وارد در چارچوب فعالیت مؤسسات ویژه جاسوسی دول امپریالیستی است. در دوره اخیر، اخبار گوناگونی در این زمینه در جهان انتشار یافته که تا حدی منابع «تبلیغات سیاه» را افشا کرده است. خبر ارتباط نزدیک «سیاه» با رسانه های گروهی ایالات متحده امریکا، که در سال ۱۹۷۷ پیش شد، نمونه جالبی در این زمینه است. بیش از ۴۰۰ روزنامه نگار و خبرنگار امریکائی در فاصله سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ رسماً در خدمت سازمان جاسوسی «سیاه» بودند. در این افراد، نمایندگان خبرگزاریها و مطبوعات مشهور امریکا نیز وجود داشتند. تردیدی نیست که این روند امروز نیز ادامه دارد.

نمایشگاه بیاد دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی بیادین باشند در انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و اجتماعی، درباره مبارزه و دستگیری و زندان و شهادت ارانی دادند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات خود را در اختیار دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد بود.

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت نتکین و مغفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده اند، جمع آوری کند. از همه میهن دوستان و آزادی خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. با سپاس - «مردم»

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیر با «مردم» مکاتبه کنند

پاریس
Rigal Albert
BP 75180
75001 Paris
France
ایتالیا
Shams
Via G. Vincon, 44
Ostia (Roma)
Tel. 6614922 (TUDEH)
انگلیس
P. O. Box 141
London, E 70 PE

چرا دروغ؟ چرا تهمت؟

چرا وارونه سازی واقعیتها؟

روزنامه «کار» از ادامه این روش ناشایست چه طرفی می بندد؟

روزنامه «کار»، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق، در دوشماره ۳۰۳۹ خود، متأسفانه باردیگر مقابله اندیشه ای را با تهمت زنی و حملات شخصی دروغ پردازانه عوضی گرفته و با اقدام ناشایستی دست زده است: از یکطرف در شماره ۳۹ (۵دیماه) نوشته است:

«روزی نیست که روزنامه مردم با تیترهای درشت از اوضاع انفجار آمیز گران و دشت چیزی ننویسد و پرده از فعالیتهای «ضد انقلاب» بردارد، و از خود می پرسد:

«باز چه شده است که فغان توده ای ها را این چنین به آسمان برده است؟»

از طرف دیگر، در یک شماره بعد (شماره ۴۰) همین روزنامه، بدون آنکه خود را به تناقض گوئی- هایش آشنا نشان دهد، تاکید میکند:

«زمین داران ترکمن صحرا مانند گذشته دست به دسیسه چینی، جنگ افروزی و کشتار روستائیان می زنند. اخیراً تحریکات این عناصر منور شدت گرفته است.»

آیا این مطالب را هیت تحریریه روزنامه ارگان سازمان نوشته، یا با همکارانش و خطاهای مختلف هر یک نظریه پردازانند؟ اگر برای نویسنده مقاله «کار»، جنگ افروزی و کشتار روستائیان «اخیراً» شدت گرفته است، همدار روزنامه مردم به موقع و در جریان حادثه کشتار روستای کوزالی انجام شد، (کشته شدن یک جوان مجروح شدن چندین دیگر و تهدید ساکنان پیداف آن روستا به کشتار جمعی و تخریب خانه ها) یعنی همدار در جریان فاجعه ای که زمیندار بزرگی به نام «مفرحی» به دهقانان ترکمن تحمیل کرده بود و هنوز ادامه دارد، اعلام شد. چگونه است که همدار بجای موقع «مردم» وسیله تحریک و تحطه است و همان مضمون اگر یک ماه بعد و بموقع در «کار» تکرار شود، شایسته است و بجای!

ضمیمه از این قرار است که نویسنده مقاله «کار»، ضمن تحطه همدار بموقع ما، و تحریف آن، خواسته است ثابت کند که حزب توده ایران از زمینداران بزرگ، که گویا بعضی از آنها هم «عضو فعال» حزب توده ایران هستند، حمایت میکنند! و این همدار برای آن بوده است که آنها از تعرض مضمون پنهانند!

در این رابطه قبل از هر چیز، به آن عده از نویسندگان با حسن نیت «کار» توصیه میکنیم که نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران را به شورای انقلاب (مندرج در شماره ۱۳۴ مردم) بخوانند تا یک بار دیگر با موضع سریع، قاطع و رسمی ما در باره موارد املاک کلیه بزرگ مالکان، بدون استثناء، و قطع ریشه نظام بزرگ مالکی و در دفاع از حق دهقانان برای تصاحب زمینهای این گروه از غاصبان، آشنا شوند و به راههای عملی و مشخصی که برای پیشبرد چنین پیکاری ارائه شده است، پی ببرند.

و اما نویسنده مقاله «شورای کشاورزان سد و شمگیر را چه کسانی تشکیل میدهند» (کار شماره ۴۰) ضمن ارائه فهرست اسامی چندین از زمینداران بزرگ منطقه، مدعی شده است که «حدائق» در نفر از آنها به نامهای «جعفر بابی» و «محمدی» از توده ای های فعال (۱) منطقه بشمار میروند.

مانه برای متقاعد کردن این نویسنده مقاله «کار» و نظائر او، بلکه برای باز کردن چشم خوانندگان با حسن نیت «کار» و آن نویسندگان «کار»، که حسن نیت دارند، و دفاع از واقعیتها، یادآوری میکنیم:

اخبار کارگری

در کوره پز خانه های اردبیل چه می گذرد؟

شهرستان اردبیل بازنده کوره پزخانه دارد. در این کوره پزخانه ها کار بصورت کثرتی انجام می شود. کارگران کوره پزخانه ها نه در محل کار خود و نه در سطح شهرستان، هیچ نماینده ای ندارند و کارفرما هر لحظه ای که اراده کند شخصاً در مورد اخراج کارگران تصمیم می گیرد. کارگران از ابتدائی ترین حقوق خود محرومند از حق مسکن، حق اولاد، بیمه و درمان و بهداشت و شورا خبری نیست. کارفرمایان بایمه شدن کارگران مخالفت می کنند. سطح دستمزد بسیار پایین است، بطوریکه کارگران با روزانه نزدیک به یازده ساعت کار شاق و بیوقفه، حداکثر حدود ۳۰۰۰ تومان دستمزد می گیرند. کارگران آجرچین به ازای هر هزار آجر که بسطور پخت به کوره حمل میکنند و در آنجا می چینند، تا اوائل سال جاری، فقط پانزده تومان دستمزد می گرفتند. در حال حاضر با تلاش کارگران این مقدار به بیست تومان افزایش یافته است. کارگران خشت کار به ازای هر هزار خشت که تولید می کنند،

۱ شخصی بنام آقای جعفر بابی، که به اعتبار لیست مندرج در روزنامه «کار» ۲۰۰۰ هکتار زمین در اراضی سد و شمگیر دارد و گویا از اعضای فعال حزب توده است (۱) همان دامانی حالت جعفر بابی است که از بزرگترین رهبران ضد انقلاب شناخته میشود. هوست که در حادثه خونین ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷ کیند کاوروس سه روز پیش از پیروزی انقلاب به تبع رژیم سابق شده شام مخلوع سخت فعالیت میکرد و هم اکنون از جمله فراریانی است که در آمریکا پناهنده شده است. اساساً چنین شخصی بنام جعفر بابی عضو حزب توده ایران نیست. چه سودی نویسنده «کار» از این دروغ پردازی میبرد؟ کدام سیاسی رامیتواند بر پایه تهمت استوار سازد!

۲ از شخص دیگری بنام «محمدی» در همین مقاله به عنوان «عضو فعال حزب توده ایران» نام برده شده است، که او نیز بزرگترین سرمایه دار و زمیندار کیند کاوروس است. ولی وی نیز هرگز عضو حزب توده ایران نبوده و اکنون نیز نیست. چرا نویسنده مقاله «کار» به چنین دروغ بی پایه ای متوسل میشود و آیا واقفاً اینقدر بی پایه شده و این بهت رسیده، که جز تهمت و افترا هیچ وسیله ای برای بیان سیاست ضد توده ای خود ندارد!

۳ به این مناسبت تذکر این نکته نیز ضروریست که نویسنده مقاله «کار» و نظائر او، که ظاهراً به ضد بزرگ مالکان تبلیغ میکنند و ما را به طرفداری از آنها متهم میسازند، در آن جاهایی که در تصرف اراضی این مالکان دخالت داشته اند، قطعات وسیعی از زمینهای همین آقای محمدی را - از جمله قطعات پنهان کاری در «شام تپه» - را به او «بخشیده اند» (۱) و ناملاً ۵۰۰ هکتار از اراضی شخصی بنام دولی اله پارسا را - که در تصرف خود نام برده اند - از شمول تصرف و تقسیم معاف داشته اند! بهتر است نویسنده مقاله «کار» و نظائر او باین «اغراض» و علت آن توجه کنند و کمتر دروغ پردازی نمایند.

۴ شورایی بنام «شورای کشاورزی سد و شمگیر»، که درباره تشکیل دهندگان آن، از جمله «اعضای فعال حزب توده ایران» قلمب فرسائی شده، هرگز تشکیل نشده است. خبر نگار «کار»، که بقصد تهیه یک خبر داغ و پر سر و صدا و تحریک آمیز بسبب مطبوعات معلوم الحال ضد کمونیستی شری، برای چاپ یک کلیشه باهمراه امضاء شتاب داشته است، دعوت نامه تشکیل چنین شورایی را، که هرگز تشکیل نشده، به جای یک سند رسمی به خورد خوانندگان خود داده است!

۵ برای آنکه معلوم شود موضع رهبران محلی سازمان چریکهای فدائی خلق، در قبال همین مالکان بزرگ و سرمایه داران از چه قرار است، بدینست اعضای کادر رهبری این سازمان، که پنهان داشتن هویت خود را «رمز پیروزی» خود میدانند، خویشان را معرفی کنند، تا هر گونه ابهام در رابطه آنان از نظر خویشاوندی و «علاقه ملکی» و پیوند مسلکی و نحوه عمل با سازشکاران و دشمنان خلق زدوده شود. فعلاً این «مشت» را به عنوان «نمونه خروار» (یا نمونه ای از وارونه سازی واقعیتها) داشته باشیم تا بعداً به بخشنده تسوواج، کاندیدهای چریکهای فدائی خلق، برای مجلس خبرگان از کیند کاوروس، کسی جز خواهر زاده همان «جعفر بابی» زمیندار بزرگی نیست که بصورتی تحریک آمیز او را «عضو فعال حزب توده ایران» قلمداد کرده اند! تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجلد!

۶ در پایان، برای آنکه در سطح کشوری هر گونه شک و تردید را به هم از بین برد و جلوی هر گونه دروغ پراکنی و افترای احتمالی گرفته شود، پیشنهاد میکنیم که کلیه رهبران سازمان چریکهای فدائی خلق و کلیه رهبران حزب توده ایران، فهرست تمامی دارائی خود و خانواده خود را، اعم از املاک و مستغلات، کارخانه، کارگاه و تعمیرگاه و منازل و فروشگاه و همچنین اثاثیه منقول و دارائی غیر منقول و حساب بانکی شخصی و غیره را، رسماً هر یک در روزنامه ارگان خود اعلان کنند. هر کس واقعیتی را پنهان کرد، مال پنهان شده بشف خلق مصادره شود.

خلاصه کنیم: از تهمت زدن و دروغ بی پایه که کاری پیش نمی رود. حداکثر چند روزی میتوان چند نفری را فریفت و یا در افکار آنان پویشانی و سردرگمی ایجاد کرد. ولی البته سیاستی را نمیتوان شالوده ریزی کرد. کفگیر سیاست ضد توده ای باید خیلی به ته دیگ خورده باشد که برخی ها به چنین شیوه هائسی متوسل میشوند. پیشنهاد ما اساس مطلب را در عالیترین سطح و به بهترین وجه در معرض قضاوت همگان قرار خواهد داد. این گوی و این میدان! قبول کنید تا معلوم شود که ریگی بکفش ندارید!

۸۰۰ ریال می گیرند. سطح نازل دستمزد در کوره پزخانه ها کارگران را به اعتراض همه جانبه واداشت. از جمله تا بهستان گذشته بدنبال شکایت کارگران به سپاه پاسداران، این سپاه حتی پیشنهاد کرده بود که روزانه معادل ۱۲۰۰ تومان به یکی از صاحبان کوره پزخانه ها بپردازد و در عوض اداره کوره پزخانه به سپاه واگذار شود، ولی کارفرما از پذیردن این امر خودداری کرد. سپاه پاسداران طی یک اعلامیه افشاکری این مساله را به اطلاع مردم اردبیل رساند. صاحبان کوره پزخانه ها ادعا می کنند که ضرر می کنند و در عین حال حاضر نیستند از این «ضرر» خود چشم پوشی نمایند. کارگران معتقدند که وجود چنین شرایطی در واحدهای تولیدی، آن هم پس از انقلاب بزرگ مردم ما بر علیه غارتگران خارجی و داخلی، لگه تنگ است که وزارت کار باید با پیگیری در اجرای قوانین مترقی بسود مستضعفین، آن را از دامن جامعه پاک کند.

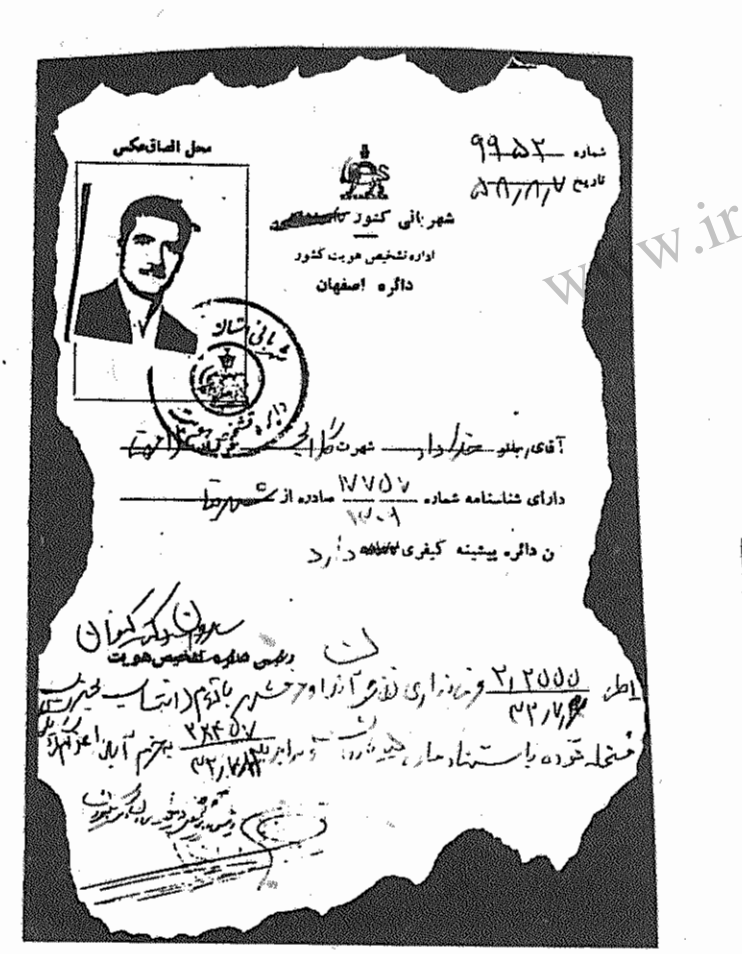
وضع اسفبار کارگران کتابفروشی کارگران کارگاه های کوچک و مغازه ها در شمار محروم ترین قشر کارگران محسوب می شوند، زیرا حداقل حقوق کاری که در قانون کار سال ۳۷ منکس است، این دسته عظیم کارگران را دربر نمی گیرد. در این میان باید از کارگران کتابفروشی یاد کرد. ظاهراً کارگران کتابفروشی در مقایسه با دیگران، از جمله کارگران نانوایی، که از یام تا شام کار می کنند، وضع بهتری دارند، ولی با اندک توجه به موقعیت این صنف، شرایط دشوار

ساواکی بودن پیشینه جرم و خیانت است یاتوده ای بودن؟ ادارات را پاکسازی کنید

در ایران امروز آیا کسی هست که انتساب به عضویت حزب توده ایران را جرم و سابقه کیفری محسوب دارد؟ شاید از این سؤال تعجب کنید و بگوئید جز ساواکی ها و سرسپردگان شاه مخلوع و شاید هم برخی چپ نماهای توطئه گر و آتشین مزاج، کسی چنین حرفی را امروز، یکسال بعد از سرنگونی رژیم سلطنتی، نمیتواند بزند. اما چنین نیست. دردستگاه دولتی هم هنوز هستند افراد صاحب مسئولیت و مقام، که چنین عقیده ای دارند و در این باره سند و مدرک هم صادر میفرمایند.

بهبوده نیست که پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، حزب توده ایران کراراً ضرورت پاکسازی ادارات را خاطر نشان کرده است. اما متأسفانه هنوز کارمندان سرسپرده رژیم طاغوتی در رأس بعضی از ادارات قرار گرفته اند و اعمالی انجام میدهند که گوی از انقلاب و آثار آن در بی خبری مطلق فرادارند. این افراد مصوبات دولت جمهوری اسلامی و شورای انقلاب اسلامی را قبول ندارند و بان عمل نمی کنند. همه میدانند که کلیه محکومیت های سیاسی دوران ۳۷ ساله رژیم منقر گشته. تحت هر عنوان که باشد، لغو گردیده است و بدین ترتیب کلیه محکومیت های اعضای حزب توده ایران، که توسط عمال رژیم منظور پهلوی صادر شده بود، ملغی اعلام گردید. حزب توده ایران بطور علنی فعالیت میکند و روزنامه ارگانش دارای امتیاز رسمی است و مقوله «منحله» باهمراه رژیم منحله پهلوی در مورد حزب ما، بکفر رفت. افسران توده ای، که وسیله رژیم سابق نیز باران شدند، «شهید» محسوب گردیدند.

با وجود این، سردان دکتر کیوان، رئیس دایره تشخیص هویت اصفهان، طی نامه شماره ۱۳۵۸/۸۷-۹۹۵۲ اعلام داشته است که آقای خداداد کلابی دارای پیشینه کیفری است، زیرا وی با اتهام انتصاب «بجز منحله توده»، باستاد



کار و زندگی شان آشکار می شود. ساعت کار اغلب کارگران کتابفروش از ۹ صبح الی ۸ بعد از ظهر، آن هم بدون دریافت اضافه کار است. برای تعیین حداقل دستمزد و میزان افزایش آن بر اساس سنوات خدمت، هیچ ضابطه ای وجود ندارد. افزایش ما به التفاوت حداقل دستمزد، مصوب فروردین ۱۳۵۸، نیز برای این کارگران اجرا نشده و عده ای از این کارگران بصورت پورسانت - تعیین مزد متناسب با درصدی از فروش روزانه - کار می کنند. بدیهی است که با توجه به بیگاری موجود و ابعاد گسترده آن، این کارگران با دریافت حقوق ناچیزی حاضر به کار می شوند.

گذشته از این، اکثر کارگران کتابفروش زیر پوشش بیمه های درمانی قرار ندارند و مزایایی از قبیل حق مسکن، حق اولاد و غیره اصلاً مطرح نیست. مرخصی استحقاقی کارگران نیز تابع هیچ ضابطه مشخصی نیست.

خطر اخراج برای این کارگران دردناکترین کابوسی است که یک دم آنان را رها نمی کند. کارفرما مطلقاً به اراده خود می تواند کارگر را اخراج کند و هیچ قانونی او را مشروط و محدود نمی کند. ناگفته نماند که حتی موارد موجود در ماده ۳۳ بنی بر باز خرید کارگر و اعلام تصمیم اخراج به کارگر پانزده روز پیش از اخراج هم رعایت نمی شود.

کارگران انبارهای کتاب، که کارهای طاقت فرسائی از قبیل حمل و نقل و بسته بندی کتاب را انجام میدهند، در شرایط برابری استفاکتری کار می کنند. قانون کاری که ثمره انقلاب بزرگ مردم ایران خواهد بود، باید در محتوی خلقی و مضمون انقلابی خود تأمین حقوق این کارگران و نیز فرزندگانش جزء شبر و دروستار با صراحت بیان دارد و در تقسیم آن وسایل لازم رابیش بینی کند. تنها در چنین حالتی است که می توان امیدوار بود مسکنه هایی نظیر شرایط کار و زندگی کارگران مذکور در آینده تکرار نشود.

با اتکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

